اشنلینگر گل می‌زند» نکته عجیب ماجرا اینجاست که پس از پایان مسابقه، برخی از بازیکنان ایتالیا به او توصیه کردند بهتر است برای امنیت خود هیچ‌وقت دیگر به ایتالیا بازنگردد!

افتادند اما در نهایت توانستند شکست دو گله را جبران کنند. البته شاید اگر «سه‌شیر» نیز رو به دفاع محض و اتلاف وقت می‌آورد، به جای آلمان در آزتکا مقابل ایتالیا قرار می‌گرفت. آتزوری اما با تعداد نفرات بالا در لاک دفاعی فرو رفت. هدف پشت‌پرده یک چیز بود؛ ترغیب ژرمن‌ها به پیشروی بیشتر و در ادامه استفاده از «توفان» در ضد حملات و زمینگیر کردن تیمی قدرتمند و مدعی قهرمانی. ۸۲ دقیقه از زمان مسابقه، صرف دفاع از تک‌گل انگلیس‌ها شد و جالب اینکه آنها فرصت داشتند که با استفاده از تاکتیک‌شان به تعداد گل‌های خود اضافه کنند.

آلمان‌ها که در این تورنمنت از همان بازی نخست نشان دادند که از چه خط حمله زهرداری بهره می‌برند، با فراغ خاطر به حملات خود ادامه دادند. در یکی از صحنه‌ها، «زیلر» روی ارسال کرنری از سمت چپ، یک ضربه سر خطرناک به سمت دروازه «آلبرتوسی» زد اما سنگربان ایتالیایی با کف دست توپ را مهار نمود. هرچه به پایان بازی نزدیک می‌شدیم، ایمان میان بازیکنان آلمان نیز کاهش می‌یافت.

آلبرتوسی در این دیدار فرم فوق‌العاده‌ای داشت، به بازیکنان آلمان اجازه گلزنی نمی‌داد و در صحنه‌ای هم که او مغلوب شد، تیرک دروازه به کمک آتزوری آمد. موج حملات آلمان ادامه داشت اما نتیجه‌ای برایشان در برنداشت. در تمام طول مسابقه، ژرمن‌ها از ضدحملات ایتالیایی‌ها ترس داشتند و شاید به همین دلیل یکپارچه به سمت دروازه آتزوری یورش نمی‌بردند. با نزدیک شدن به دقایق پایانی، بازیکنان آلمان کم‌کم ناامید شدند، آن هم در شرایطی که ذره‌ای از صلابت خط دفاعی ایتالیا کاسته نشده بود.

در حالی که تنها سه دقیقه به پایان دیدار باقی مانده بود، بکن‌باوئر یک بار دیگر مالکیت توپ را در اختیار گرفت، به سمت دروازه ایتالیا یورش برد. با سرنگونی قیصر، آلمان‌ها منتظر اعلام پنالتی از سوی داور مکزیکی بودند ولی او در میان اعتراض بازیکنان آلمان، تنها یک ضربه ایستگاهی چسبیده به محوطه جریمه اعلام کرد. این چیزی نبود که ژرمن‌ها را راضی کند، مخصوصاً اینکه ترقوه قیصر نیز در همین صحنه دچار شکستگی شد.

از یک سو بازیکنان ایتالیا امید داشتند که این صحنه آخرین موقعیت آلمان باشد و از طرف دیگر نیز بازیکنان آلمان می‌ترسیدند آخرین شانس‌شان برای کشاندن نتیجه بازی به تساوی، به هدر برود. تلاش‌های زیلرِ باتجربه و مولرِ گلزن نیز هیچ نتیجه‌ای در برنداشت؛ هر چه مهاجمان آلمان می‌زدند، دفاع ایتالیا برمی‌گرداند اما گویا زمان ظهور یک قهرمان فرا رسیده بود.

در ثانیه‌های پایانی، آلمان‌ها آخرین تلاش‌های خود را برای رسیدن به گل تساوی انجام دادند؛ ارسال «گرابوفسکی» از سمت چپ به محوطه جریمه ایتالیا، آخرین شانس ژرمن‌ها برای فرار از شکست بود. با رسیدن توپ به محوطه شش قدم آتزوری، ستاره جدید فوتبال آلمان ظهور کرد؛ «کارل هاینتز اشنلینگر». کسی که از قضا از اوایل دهه ۶۰ در سری آ ایتالیا توپ می‌زد و تنها سه گل در تقریباً ۳۰۰ دیدار باشگاهی‌اش به ثمر رسانده بود! او که پیش از این در ۴۷ دیدار ملی تنها یک گل در کارنامه ملی‌اش دیده می‌شد، در زمان و مکان مناسب حضور یافت تا منجی ژرمن‌ها لقب بگیرد. با نزدیک شدن توپ به مدافع پیش‌تاخته مانشافت، او زاویه خود را تنظیم و با یک ضربه راستِ دقیق سرانجام آلبرتوسی را در ثانیه‌های پایانی این دیدار تسلیم کرد تا این بازی، حداقل ۳۰ دقیقه دیگر نیز ادامه پیدا کند.

«ارنست هابرتی» گزارشگر بازی، این گل را چنین توصیف و گزارش کرد: «اشنلینگر! از میان این همه ستاره،

اشنلینگر در ایتالیا به یک مدافع مستحکم تبدیل شده بود و این تهدیدها هم کوچکترین اثری روی او نداشت، در واقع آخرین مسأله‌ای که برای اشنلینگر اولویت داشت، باشگاه طرف قراردادش بود. این گل ولی همانند یک تیر در قلب آتزوری بود و البته امید ژرمن‌ها را برای ادامه کار بالا برد. در آن زمان اشنلینگر خبر نداشت که با آن گل، دیداری را راهی ۳۰ دقیقه وقت‌های اضافه کرده که بعدها با لقبِ «دیدار قرن» به یاد آورده می‌شود.

آلمان‌ها از تلاش بسیار برای باز کردن قفل خط دفاعی ایتالیا و کاتاناچیو تقریباً ناامید شده بودند و ایتالیا هم بعد از گذشتِ بیش از ۸۰ دقیقه دفاع مطلق، دیگر انرژی بیشتری برای تداوم کار نداشت. دو تیم همانند دو مبارز سنگین وزن، وارد راند پایانی مبارزه شدند، جایی که فقط به زدن ضربه پایانی به حریف می‌اندیشیدند و برای این کار به دنبال یک فرصت مناسب می‌گشتند.

تنها پس از گذشت ۴ دقیقه از نیمه نخست وقت‌های اضافه، اولین توپ وارد دروازه شد؛ آلمان غربی از سمت راست صاحب یک ضربه کرنر شد. ارسال ژرمن‌ها با ضربه سر زیلر همراه شد و توپ به سمت دروازه ایتالیا رفت. «پولتی» که به عنوان یار جانشین به میدان آمده بود، با سینه توپ را به سمت آلبرتوسی فرستاد اما سنگربان آتزوری لحظه‌ای درنگ کرد. از قدیم گفته‌اند «آن کس که درنگ می‌کند، بازنده است.»

مولر از درنگ آلبرتوسی بهره برد و زودتر از همه به توپ رسید. یک اثر جزئی روی آن گذاشت. سرعتِ توپ آرام بود اما زاویه داشت و آرام‌آرام از خط دروازه عبور کرد. پولتی و آلبرتوسی نیز هر چه تلاش کردند نتوانستند اشتباه خود را جبران کنند.

حالا آلمان غربی پیروز میدان بود و ایتالیا برای رسیدن به گل تساوی باید به آب‌وآتش می‌زد. آتزوری‌ها همواره روحیه جنگندگی داشتند و نشانه‌های تسلیم در رفتارشان دیده نمی‌شد.

اگر اشنلینگر ستاره آلمان در آن دیدار بود، در ایتالیا هم بازیکنی که کسی تصور نمی‌کرد به داد تیم رسید؛ «تارکیزیو بورنیک» مدافع باشگاه اینتر قهرمان لاجوردی‌پوشان لقب گرفت و خیلی زود برتری آلمان را از بین برد؛ «زیگی هلد» هافبک باتجربه ژرمن‌ها در این دیدار به عنوان یار جانشین به جای «برند پاتزکه» مدافع میانی تیم پا به مستطیل سبز گذاشت تا به حفظ گل برتری آلمان کمک کند اما ارسال ریورا از روی ضربه ایستگاهی، در محوطه جریمه با تأثیر ناقص هلد همراه شد و توپ پیش پای بورنیک افتاد. مدافع اینتر نیز با یک ضربه محکم، امید را به اردوی آتزوری بازگرداند. دیداری که میان گل اول و دومش بیش از ۸۰ دقیقه فاصله افتاده بود، حالا ظرف چند دقیقه دو گل را به خود می‌دید.

این بازی در وقت‌های اضافه یک دیدار کاملاً متفاوت به نظر می‌رسید؛ دو تیم درگیر احساسات شده بودند و به دنبال زدن گل سوم می‌گشتند. تا اینکه هشت دقیقه پس از شروع وقت‌های اضافه، یک گل دیگر هم به ثمر رسید؛ دومنگینی از جناح چپ حرکتی را کلید زد، توپ را برای ریوا یعنی هم‌تیمی خود در کالیاری ارسال نمود، ریوا هم پس از دریافت توپ با یک سرِ توپ با پای چپ، شولتز را فریب داد و با همان پا یک ضربه زَمینی به سمت دروازه روانه کرد و سپ مایر را مغلوب نمود. «ناندو مارتینلی» گزارشگر ایتالیایی بازی پس از این گل، نام ریوا را فریاد می‌زد و خیالش آسوده بود که دیگر همه چیز تمام شده است.

جدال نفسگیر و حالا جذاب دو تیم هچنان ادامه داشت؛ ایتالیا از رقیب پیشی گرفت، سپس عقب افتاد و در ادامه باز هم نتیجه را به سود خود کرد. دیداری که بسیاری تصور داشتند با همان نتیجه یک بر صفر به پایان خواهد رسید، دیگر به یک دیدار جذاب تبدیل شد که هیچ‌کس تمایلی نداشت سوت پایان آن را بشنود. دیداری که همانند

آلمان‌ها که در این تورنمنت از همان بازی نخست نشان دادند که از چه خط حمله زهرداری بهره می‌برند، با فراغ خاطر به حملات خود ادامه دادند. در یکی از صحنه‌ها، «زیلر» روی ارسال کرنری از سمت چپ، یک ضربه سر خطرناک به سمت دروازه «آلبرتوسی» زد اما سنگربان ایتالیایی توپ را مهار نمود.

یک مسابقه بسکتبال، با فواصل زمانی کم توپ به تور می‌رسید.

با پایان وقت اضافه نخست، هر دو تیم فرصت پیدا کردند تا اندکی استراحت کنند. بازیکنان خسته روی زمین افتادند اما خود را برای پرده آخر این دیدار جذاب آماده می‌کردند. بکن‌باوئر با دست مصدوم خود روی زمین دراز کشید و اگر ژرمن‌ها تمام تعویض‌هایشان را انجام نداده بودند، قطعاً او را از زمین خارج می‌کردند اما فرانس چاره‌ای جز ادامه کار نداشت. در آن زمان و با خستگی مفرط بازیکنان می‌شد حدس زد که «اشتباهات» بیشتر از «نبوغ فردی» روی نتیجه پایانی تأثیر خواهد داشت.

پنج دقیقه پس از شروع وقت اضافه دوم، آلمان غربی صاحب یک ضربه کرنر از سمت راست شد؛ گرابوفسکی توپ را کوتاه برای «لیبودا» فرستاد و او نیز توپ را روی تیر دوم برای زیلر ارسال کرد. زیلر طبق معمول روی توپ اثر گذاشت تا مولر که نقشه زیلر را می‌دانست، در زمان درست در شش قدم حاضر شده و با یک ضربه سر دروازه آلبرتوسی را باز کند! بمب‌افکن آلمان‌ها باز هم دروازه حریف را فرو ریخت تا همه چیز یک بار دیگر به تساوی کشیده شود.

هر گل در این مسابقه می‌توانست گل پایانی باشد اما هر دو تیم با روحیه جنگندگی به دنبال زدن ضربه‌ای مضاعف به یکدیگر بودند. به نظر گل مولر باید آخرین گل مسابقه می‌بود و دیگر دو تیم توان حمله نداشتند. هر دو تیم یک نمایش جذاب را برای هواداران خلق کرده بودند اما این دیدار نیاز به یک برنده داشت. ایتالیایی‌ها توپ را در میانه میدان کاشتند؛ لحظه‌ای ناب، خاص، بدون تکرار. هیچ کس انتظار نداشت آنها در آن لحظه تدارک یک حمله دیگر را در سر داشته باشند ولی ...

ریوا بازی را یک بار دیگر آغاز کرد، توپ را به «سیستی آنجلو» سپرد، او ریورا را پیدا کرد، ریورا با توپ مانور داد و خیلی زود آن را به آنجلو بازگرداند و خودش به جلو یورش برد. آنجلو سپس فاکتی را در کنار خط دید و توپ را برایش فرستاد. فاکتی - مدافع چپ ایتالیا - با زیرکی «بونینسنیا» را صاحب توپ کرد و او نیز با عبور از تکل شولز، پا به درونِ محوطه جریمه آلمان غربی گذاشت. مهاجم ایتالیا زمانِ کافی داشت تا با سری بالا تصمیم بگیرد و بهترین تصمیم ممکن را نیز گرفت، او یک پاس رو به عقب برای ریورا فرستاد تا هافبک میلان با یک ضَربه نرم اما دقیق دروازه «سپ مایر» را باز هم فرو بریزد. باورکردنی نبود؛ این پروسه تنها ۲۰ ثانیه زمان برد و آتزوری خیلی زودتر از حد تصور، باز هم برتری را از آن خود کرد. در ادامه آلمان غربی با شروع مجدد مسابقه، برای گل تساوی جنگید ولی این‌بار دیگر واقعاً خبری از گل نبود.

این ۳۰ دقیقه در تاریخ جام جهانی، دقایقی جاودانه است، دقایقی که دو تیم جنگیدند، زانو نزدند و یک مسابقه جذاب را خلق کردند.

برای آلمان‌ها پذیرش این شکست سخت بود، آنها نمایش خوبی در طول جام داشتند اما شاید پیروزی برابر انگلیس در وقت اضافه آنها را بیش از حد تصورشان خسته کرد. زیلر حتی در صحبت‌هایی گفت: «اگر به فینال می‌رسیدیم، پس از این دو وقت اضافه برابر انگلیس و ایتالیا؛ برزیل ما را با پنج گل شکست می‌داد. حالا مانند قهرمانانی سربلند به خانه بازمی‌گردیم.»

در جام جهانی بعدی زیلر بازنشسته بود ولی مولر همچنان حضور داشت و پیش از جام درباره دیدار جذاب چهار سال گذشته لب به سخن گشود: «هیچ کس آن دیدار را فراموش نکرده است. فکر کردن به آن من را آزار می‌دهد و هنوز درد آن فروکش نکرده است ولی دیداری جذاب بود.» در همان دوره یعنی جام جهانی ۱۹۷۴، آلمان غربی سرانجام با درخشش مولر، مایر و بکن‌باوئر به جام قهرمانی بوسه زد و ژرمن‌ها در خانه برابر هلند، در فینال به برتری رسیدند.

یک بار دیگر به ۱۹۷۰ برگردیم؛ ایتالیا با غلبه بر آلمان در دیدار قرن راهی فینال و حریفِ برزیل شد. فینالی که در آن هر دو طرف، دو مرتبه فاتح ژول ریمه شده بودند و پیروزی در آن فینال باعث می‌شد تا برنده «جام ژول‌ریمه» را برای همیشه نزد خود نگاه دارد. نراتزوری در این دیدار به دلیل خستگی مفرط ناشی از دیدار نیمه نهایی، با نتیجه ۴ بر یک مغلوب پله و دوستان شد.

با این وجود التیام والکارجی، اثبات توانایی‌هاش به عنوان یک مربی خوشفکر بود. کسی که در سال ۱۹۷۴ پس از ۸ سال سرانجام نیمکت تیم ملی ایتالیا را ترک کرد؛ آن هم در شرایطی که آتزوری در تمامِ آن ۸ سال فقط و فقط شش بار طعم شکست را چشید!

جدال ایتالیا - آلمان غربی، یک ۳۰ دقیقه جذاب و نفسگیر در گرمای آزتکای مکزیک بود که لحظاتی ناب و تکرارنشدنی را به عاشقان فوتبال هدیه داد. مسابقه‌ای که به حق «دیدار قرن» نامیده شد.